

لینک نتیجه مشابهت‌یابی: https://hamyab.sinaweb.net/Ci_result/apidetails/7AD89150325DD9CF/3%

آسیب‌شناسی جریان‌های فرهنگی نوپدید در ایران (مطالعه موردی عرفان حلقه)

نوع مقاله: مطالعه موردی

* محمدرضا تاجی اشکفتنی

E-mail: m_tajii@yahoo.com

** ساسان ودیعه

E-mail: S.vadiea5@gmail.com

*** رضا صفری‌شالی

E-mail: reza_safaryshali@yhahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۵

چکیده

نوشتار حاضر با هدف مطالعه‌ی جامعه‌شناختی جریان‌های فرهنگی نوپدید و به‌منظور پاسخگویی به این سؤال انجام گرفته است که آموزه‌های عرفان حلقه، در کل دارای چه ماهیت و کارکردهایی بوده و به تبع آن، چه آسیب‌های سیاسی - اجتماعی بر ایران دارد؟ در این پژوهش با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی (تکنیک مصاحبه) داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده است. جامعه‌ی هدف پژوهش مشتمل بر دو گروه ۱- مروجان و اعضای فرقه‌ی نوظهور عرفان حلقه در ایران و ۲- خبرگان و متخصصان در حوزه‌ی مورد مطالعه است. حجم نمونه با استفاده از روش اشباع نظری و از هر گروه ۳۰ نفر جهت مصاحبه انتخاب شد. شیوه‌ی نمونه‌گیری به‌صورت غیراحتمالی (نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی) صورت گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از شیوه‌ی تحلیل محتوای کمی - کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که آسیب‌های ناشی از ترویج آموزه‌های عرفان حلقه در حوزه‌ی اجتماعی، شامل تغییر فرهنگ، ایجاد چالش در هویت ملی، متهم کردن نظام به اعمال محدودیت، ترویج سیاست تساهل و تسامح افراطی و... است و آسیب‌ها در حوزه‌ی سیاسی نیز شامل راه‌اندازی جنگ نرم، نفوذ در حاکمیت، تضعیف و تشکیک در میانی امنیت ملی، ترور فرقه‌ای، تبلیغات ضدنظام و... است.

کلید واژه‌ها: فرقه، جریان فرهنگی نوپدید، عرفان حلقه، آسیب‌های سیاسی و اجتماعی.

- * دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران
- ** استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران، نویسنده‌ی مسؤل
- *** استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسأله

امروزه گستره‌ی حوزه‌ی فرهنگ بسیار فراگیر شده و روند آن نیز فزاینده گردیده است. با پیشرفت روزافزون فناوری ارتباطات، جوامع با لایه‌های تودرتوی فرهنگ روبه‌رو شده‌اند تا آنجا که آحاد افراد جامعه در زیست خود، همیشه داده‌های فرهنگ را تنفس می‌کنند. صرف‌نظر از این‌که فرهنگ را چگونه و بر مبنای چه مؤلفه‌هایی تعریف نماییم، آنچه مسلم است آن‌که فرهنگ با هر سطحی و با هر تعریفی، اصلی‌ترین جلوه‌ی ظهور و بروز تجدد است و به این معنا باید آن را در حوزه‌ی تفکیک‌های ناشی از امر مدرن دسته‌بندی کرد؛ اما با محوریت دادن به این مفهوم می‌شود برخی جریان‌ها را از این زاویه به بررسی نشست.

در این میان، برخی صاحب‌نظران با محور قرار دادن همین مبنا و ارائه‌ی تعریفی مشخص از فرهنگ به‌مثابه پذیرفته شده‌ای اجتماعی که تبدیل به هنجار شده است و مبنای ارزش‌گذاری اجتماعی قلمداد می‌گردد، دو کلان جریان فرهنگی را در ایران معرفی کرده‌اند: فرهنگ الهی و فرهنگ تجدد. فرهنگ الهی، فرهنگ خداپاور و ضد اومانیته است و صرف‌نظر از گرایش‌هایی که درون آن وجود دارد، می‌خواهد توحید را مبنای حیات اجتماعی قرار دهد و نظام معرفت اجتماعی و شبکه‌ی اطلاعات اجتماعی را بر محوری واحد و جامع از معارف دینی استوار سازد؛ اما فرهنگ تجدد بر بافت‌های نهادی مدرنیته استوار بوده و به کلی زندگی بدون آن را ناممکن، بلکه غیرمطلوب و غیرمعقول تلقی می‌نماید. این فرهنگ در حال به حاشیه راندن دین و معنویت است و این کار را از طریق ایجاد نظام مفاهیم تخصصی، ساختارها و محصولات انجام می‌دهد. (میرباقری، ۱۳۸۵: ۷) جریان‌های فرهنگی نوپدید، یکی از ساختارها و محصولات «جریان فرهنگی تجدد» در ایران زمین، قلمداد می‌شوند. این جریان‌ها، با ظاهری فرهنگی؛ اما ماهیت و اهدافی ضدفرهنگی، آبخوری از فرهنگ غرب و زندگی مدرن و مبتنی بر دیدگاه‌های سرمایه‌داری هستند که در آن، انسان مدرن دور از معنویات حقیقی نگه داشته می‌شود و در تمدنی زندگی می‌کند که غیر از جهان و زندگی مادی برای چیز دیگری ارزش قائل نیست. در چنین فضای فکری و فرهنگی و ارزشی، انسان که در بطن وجود خود همواره گرایش به معنویت را احساس می‌نماید، به تکه یا تکه‌هایی از مکاتب مختلف که داعیه‌دار جریان‌های فرهنگی نوپدید هستند چنگ زده، می‌کوشد روح تشنه خود را با آن سیراب کند. در این شرایط، معنویت، هر آن چیزی است که برای اعراض از زندگی مادی و تمدن غالب و ارزش‌ها و هنجارهای

سرمایه‌داری فرصتی فراهم سازد؛ در واقع، هر چیز که به‌نوعی فرصت‌رهایی از چارچوب‌های جامعه‌ی مدرن و روگردانی از هنجارهای تمدن‌مادی و سرمایه‌داری را فراهم کند، معنویت شناخته می‌شود. (مظاهری‌سیف، ۱۳۸۷: ۲)

جوامع اسلامی نیز از حضور این جریان‌ها بی‌تأثیر نمانده؛ گرایش‌های معنوی گوناگونی که برآمده از جریان‌های ضدفرهنگی و در راستای دگرگونی فرهنگ و مظاهر فرهنگی هستند نیز در جامعه رخ نموده‌اند. این جریان‌ها که بیشتر وارداتی بوده، زادگاهشان در کشورهای غربی است و با آشنایی هر چه بیشتر ایرانیان با غرب و آموزه‌های این جریان‌های فرهنگی، با استنباط و برداشتی متناسب با فرهنگ بومی و ایرانی، به داخل کشور نفوذ پیدا کرده‌اند. با توجه به این‌که دین در کشور ما از عناصر اصلی سازنده‌ی نظام فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است، بی‌شک هرگونه دخل و تصرف و دگرگونی در آن، تغییرات در حوزه‌های دیگر را نیز به دنبال خواهد داشت؛ به‌علاوه این‌که، جامعه‌ی در حال تحول ایران، شاهد تغییرات در بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی است. پیدایش مفاهیم بسیار متنوع در تحولات دین‌داری از جمله شکل‌های دین‌ورزی، جهت‌گیری‌های دینی، نوگروی، دین‌انتخابی، جنبش‌های معنویت‌گرا و مواردی از این قبیل، تأییدکننده‌ی این مدعا هستند. در این بین، با گسترش جریان‌های فرهنگی نوپدید از جمله فرقه‌های نوظهور که در ایران تحت عناوینی چون عرفان‌های نوظهور، ادیان بدیل، عرفان‌های سکولار، عرفان‌های کاذب، عرفان‌های غربی و خرده‌فرهنگ‌ها شناخته می‌شوند، شاهد ظهور و رشد گونه‌های جدیدی از معنویت‌گرایی در کشور هستیم. این جریان‌های فرهنگی، قریب به سه دهه‌ی اخیر، رونق بیشتری در کشور داشته‌اند. (۱) از میان جریان‌های فرهنگی مختلف در کشور، آنچه مدنظر نوشتار حاضر است، جریان‌های فرهنگی نوپدید تحت عنوان «فرق نوظهور» و مشخصاً «عرفان حلقه (کیهانی)» است که در سال‌های اخیر در ایران، رشد داشته و از جمله‌ی موفق‌ترین این جریان‌ها در جذب افراد مختلف بوده و در عین حال جریان معنوی بدیع و معروف در کشور نیز محسوب می‌شود و این قابلیت را دارد که چندین کارکرد را انجام دهد که از آن جمله می‌توان به مواردی چون: الف) معنابخشی از طریق ارائه‌ی یک نظام عقیدتی؛ ب) ایجاد تعلق جمعی و وابستگی گروهی؛ ج) آرامش‌بخشی و تسکین‌دهندگی؛ د) درمانگری؛ م) امکان نائل شدن به مقام مربی برای سرپرستی حلقه‌ای جدید به‌مثابه زیرمجموعه‌ی جریان اصلی و... اشاره نمود. (محدثی، ۱۳۹۵: ۵۲۸)

نوشتار پیش‌رو، با تمرکز بر روی این جریان فرهنگی نوپدید، درصدد تبیین

جامعه‌شناختی و در راستای آن تشریح کارکردها و آسیب‌های سیاسی - اجتماعی آموزه‌های آن در ایران است.

ادبیات جریان‌های فرهنگی نوپدید

جریان فرهنگی به گروهی اجتماعی اطلاق می‌شود که گرایش‌های فرهنگی همگون و یا یکسانی دارند و به سوی پدید آوردن یک خرده‌فرهنگ پیش می‌روند. ویژگی این جریان‌ها پویایی، گسترش و افزایش تعداد اعضاست. (کوئن، ۱۳۷۹: ۹۳) جریان‌های فرهنگی نوپدید، به واقع بخش عمده‌ای از جریان‌های نوپدید معنوی^۱ محسوب می‌شوند که مولود اومانیزم و عقلانیت ابزاری معطوف به هدف و سوژه محوری، به‌منزله‌ی مؤلفه‌های اصلی مدرنیته، هستند. (کریسایدز، ۱۳۸۲: ۱۳۰) می‌توان در تعریف این موارد اذعان داشت که این پدیده‌ها دربرگیرنده‌ی تبیین‌ها و تفسیرهایی در باب هستی بر پایه‌ی مفروضاتی مافوق طبیعی هستند که الهام‌بخش احساسات و هیجان‌اتی ویژه در کنشگر بوده و غایت آنها، رستگاری و موفقیت این جهانی است. (طالبی و رمضانی، ۱۳۹۶) این جریان‌ها عمدتاً از جنگ جهانی دوم به بعد و در اواخر دهه هفتاد در جوامع غربی و سپس در شرق بروز و ظهور پیدا کرده‌اند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۴۱) و صاحب‌نظران بر مبنای منشأ و خاستگاه اولیه، آن‌ها را به چهار گروه تقسیم‌بندی نموده‌اند که عبارت‌اند از: جریان‌های فرهنگی با منشأ غربی (از قبیل شیطان‌گرایی و ستیانیزم)، جریان‌های فرهنگی با منشأ مسیحیت (مونیزم و مورمون‌ها)، جریان‌های فرهنگی با منشأ هندوئیسم و بودائیسم (فالون دافا، اشو، سای بابا، دالای لاما، کریشنا مورتی و یوگاناندا) و جریان‌های فرهنگی بومی.

از میان جریان‌های فرهنگی که ذکر آن رفت، تمرکز اصلی نوشتار حاضر بر جریان‌های فرهنگی با منشأ بومی است که اشاره به جریان‌های فرهنگی نوپدید در جامعه ایران دارد که روز به روز در حال گسترش هستند و با عنوان‌ها و گونه‌های مختلفی خودنمایی می‌کنند و همچنان فعالیت می‌نمایند. این جریان‌ها، مهم‌ترین کارکرد خود را ایجاد آرامش روانی و به دنبال آن سلامت جسمانی و در برخی از موارد، ارتقای ذهنی و کمال معنوی برمی‌شمارند و با همین رویکرد، افراد بسیاری را به طرف خود می‌کشاند. برخی از این جریان‌های نوپدید در جامعه ایران عبارت‌اند از: «راه

1. NRMS (New Religions Movement)

معرفت» و «عرفان حلقه» که از این میان، مبنای پژوهش در نوشتار حاضر، مشخصاً «عرفان حلقه» است که قریب به چهار دهه‌ی اخیر در ایران، ظهور و گسترش پیدا کرده و به عضوگیری، رشد و اشاعه در کشور مشغول است. این عرفان که نام دیگرش «عرفان کیهانی» است، به سرکردگی محمدعلی طاهری ظهور و بروز یافته است. (رصد، ۱۳۹۷: ۱۲)

به‌طور کلی، ویژگی‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظرانی چون وینست، وودهد، هوتمن و هوپر در توصیف جریان‌های فرهنگی نوپدید ارائه شده است که قابل‌تعمیم به عرفان حلقه نیز هست. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ارائه‌ی تعریفی جدید از خداوند، ترویج سبک زندگی مبتنی بر راحت‌طلبی، معادستیزی، ارائه‌ی معنویت‌گرایی نوین مبتنی بر فرهنگ غربی (۲)، باور به تناسخ، عدم پایداری و عضوگیری بیشتر از میان زنان به نسبت مردان و

این جریان‌ها، در کنار ویژگی‌هایی که بر شمرده شد، ملزم به عضوگیری و به‌تبع آن گسترش دامنه و نفوذ خود هستند تا بدین سبب، تداوم حیات داشته باشند. از منظر نظری، سازوکارهای نفوذ و گسترش جریان‌های فرهنگی نوپدید از جمله عرفان حلقه را می‌توان بر مبنای نظریاتی چون برجسته‌سازی، قالب‌بندی^۱ و بازنمایی تبیین نمود؛ اگر جریان‌های فرهنگی را به‌مثابه رسانه‌هایی تلقی نمود که پیام‌هایی برای مخاطبان خود دارند، آنگاه می‌توان با استفاده از نظریه «برجسته‌سازی» به تبیین فرایند اثرگذاری آن‌ها پرداخت؛ چراکه این نظریه، مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش است؛ به این معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن برخی موضوعات و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند. گرچه نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» ببینند؛ اما می‌توانند تعیین کنند درباره چه فکر کنند. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۸) این در حالی است که چنانچه از منظر «نظریه بازنمایی» که بر این باور است که رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان، بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند، به تبیین سازوکارهای نفوذ جریان‌های فرهنگی نوپدید بپردازیم، درخواهیم یافت که این جریان‌ها بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۹) نظریه «چارچوب‌سازی» نیز بر این باور است که

1. Framing theory

چارچوب‌ها، ساختارهای شناختی اساسی و بنیادینی هستند که نحوه‌ی ارائه و ادراک واقعیت را تعیین و به فرد کمک می‌کنند تا بتواند دنیای اطراف خود را تفسیر کند. بدین لحاظ، چارچوب‌هایی ذهنی و نگرشی که جریان‌های فرهنگی ارائه می‌دهند را می‌توان طرح‌واره‌های شناختی دانست که بر نحوه‌ی ادراک و فهم افراد از واقعیت تأثیر می‌گذارند. (علمداری، ۱۳۸۸: ۱۰)

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع تحقیقات کمی - کیفی است که با استفاده از دو روش ۱- اسنادی (مراجعه به متون) و ۲- میدانی (تکنیک مصاحبه) داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده‌اند. جامعه‌ی هدف پژوهش مشتمل بر دو گروه ۱- مروجان و اعضای فرقه‌ی نوظهور عرفان حلقه در ایران و ۲- خبرگان و متخصصان در حوزه‌ی مورد مطالعه است که حجم نمونه از هر گروه ۳۰ نفر است که این افراد با استفاده از روش اشباع نظری جهت مصاحبه انتخاب شدند. شیوه‌ی نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی (نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی)، صورت گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از شیوه‌ی تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در بخش اسنادی به تمامی کتاب‌های رهبر عرفان حلقه (تمام شماری) و در کنار آن، طیف عمده‌ای از کتاب‌های موجود در نقد و آسیب‌شناسی آموزه‌های این فرقه مراجعه شد؛ اما در تشریح دلیل انتخاب دو جامعه‌ی هدف برای بخش میدانی شایان ذکر است که ماهیت سؤالات مصاحبه‌ها و نیز اهداف متمایز سؤالات، لاجرم نیاز به دو گروه هدف را ایجاب می‌نمود؛ بدین ترتیب که برای آگاهی از آموزه‌های عرفان حلقه و شناسایی مهم‌ترین اهداف و برنامه‌ریزی‌های هدایت‌کنندگان این عرفان، جامعه‌ی هدفی متشکل از اعضای عرفان حلقه مدنظر قرار گرفت؛ اما به منظور تبیین آسیب‌های فرقه در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی و در نهایت ارائه‌ی پیشنهادها، ضرورت ایجاب می‌نمود که مصاحبه از خبرگان و متخصصین موضوع مورد مطالعه صورت پذیرد.

درخصوص مفاهیم اساسی در فرایند تحلیل محتوای کیفی توافق اصولی وجود ندارد؛ اما مسلم آن است که مفاهیمی چون واحد تحلیل، واحد معنا، رمز، مقوله و تم در این تحلیل به چشم می‌خورد. بر این مبنای «واحد تحلیل» در پژوهش حاضر، متن مصاحبه‌هایی است که صورت پذیرفته است. واحد تحلیل باید به اندازه‌ای باشد که به منزله‌ی زمینه‌ای برای واحد معنا در فرایند تحلیل در نظر گرفته شود. «واحد معنا»

عبارت است از مجموعه‌ای از واژگان یا جمله‌ها که بتوان ارتباطی از معانی مشابه و یکسان در آنها یافت و براساس این معنای مشابه آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد. واحد معنا، مبنا و پایه‌ی ساخت «رمزگذاری» است و از واحد معنا می‌توان به رمزگذاری رسید. از این‌رو، براساس واحد معنا، باید داده‌ها را با توجه به نوع تحقیق در مرزهای مختلف قرار داد. پس از رمزها به بررسی اصطلاح «مقوله» می‌رسیم که مرحله بعدی در تحلیل محتوای کیفی است؛ ایجاد مقوله، ویژگی اصلی تحلیل محتوای کیفی است. مقوله، گروهی از مضامین است که در وجوه اشتراک شریک هستند. مقوله اغلب دربردارنده شماری از «زیر مقوله»هاست. پس از مقوله، به واپسین مفهوم در تحلیل محتوای کیفی می‌رسیم که مفهوم «تم» است که از مفاهیم و کلیدواژه‌های اصلی در تحلیل محتوای کیفی است، تم به پرسش چگونه است پاسخ می‌دهد و شامل رشته‌ای از معانی برجسته، واحدهای فشرده، رمزها یا مقوله‌ها بر اساس سطوح تفسیری است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۰) که مضامین و معانی اساسی را در مقوله‌ها با هم مرتبط می‌سازد؛ لذا می‌توان تم را اصلی تکراری ایجاد شده درون مقوله‌ها دانست، به تعبیری دیگر، تم، رشته‌ای از معانی و مضامین است که حوزه به حوزه تکرار می‌شوند.

یافته‌ها

در این بخش از مقاله، مباحث مورد تأکید در تبلیغات صورت گرفته از سوی رهبران عرفان حلقه که در واقع، حجم بسیاری از مباحث مطرح شده در کلاس‌ها و نشست‌های این عرفان را به خود اختصاص می‌دهد؛ مهم‌ترین اهداف و برنامه‌ریزی‌های هدایت‌کنندگان عرفان حلقه و نیز آسیب‌های سیاسی - اجتماعی که آموزه‌های عرفان حلقه در پی خواهد داشت مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در پاسخ به سؤال تبلیغات رهبران عرفان حلقه، بر کدام مباحث اصلی تمرکز دارد؟ حکایت از آن دارد که مصاحبه‌شوندگان، اذعان داشته‌اند که تمرکز اصلی، روی مبحث درمان (فرادرمان) بوده؛ اما در کنار آن، مباحث دیگری نیز مطرح نظر است که در جدول ذیل آمده است:

جدول شماره ۱: مباحث مورد تمرکز در تبلیغات عرفان حلقه

بعد	نمونه‌ای از موضوعات ذکر شده در مصاحبه‌ها	فراوانی ^۱	درصد ^۲
مباحث	مبحث درمان (فرادرمان)	۱۲	۴۰
	مباحث فرهنگی	۱۰	۳۳/۳
	مباحث اجتماعی	۶	۲۰
	مباحث سیاسی	۲	۶/۶
مجموع		۳۰	۱۰۰

یافته‌های جدول فوق مبین آن است که ۴۰ درصد از پاسخگویان بیان داشته‌اند که عمده‌ی موضوعاتی که در تبلیغات عرفان حلقه و به تبع آن کلاس‌ها و نشست‌های این عرفان به چشم می‌خورد و برای افراد ایجاد جذابیت می‌نماید، بحث درمان و بالأخص مقوله‌ی فرادرمان است. پس از مباحث درمان و فرادرمان، مباحث فرهنگی بالأخص موضوعاتی چون معنویت بدون دین (با هر دینی می‌توان به معنویت رسید)، دین و مسائل دینی و اعتقادی، ارائه‌ی حرف جدید و برداشت متعالی از دین و... با ۳۳/۳ درصد، بیشترین فراوانی را از آن خود کرده است. پس از آن، مباحث اجتماعی با ۲۰ درصد در جایگاه سوم پاسخ‌های ارائه شده از سوی مصاحبه‌شوندگان قرار می‌گیرد. مباحث سیاسی کمترین درصد (۶/۶) و میزان فراوانی پائینی را (صرفاً ۲) در میان پاسخ‌ها از آن خود نموده است؛ اما این درصد و فراوانی به نسبت کم، حکایت از بی‌اثر یا کم اثر بودن مباحث مطرح شده ندارد؛ به طوری که پاسخگویان اذعان داشته‌اند که با توجه به آن که مراجع عظام تقلید و برخی مسئولان، علما و مبلغان و... که عموماً از طرفداران حکومت دینی و نظام اسلامی هستند اقدام به نقد و مخالفت با فرقه می‌کنند، این مخالفت‌ها واکنش‌های سران فرقه و حتی مریدان را برانگیخته و آن‌ها را در موقعیت پاسخ‌دهی قرار می‌دهد. این کنش و واکنش ناگزیر به ورود فرقه به مباحث سیاسی انجامیده؛ لذا در حوزه‌ی مباحث سیاسی، عمده‌ی مباحث، حول نقد حکومت سیاسی - دینی مستقر متمرکز است.

در ادامه، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین اهداف و برنامه‌ریزی‌های هدایت‌کنندگان عرفان حلقه کدامند؟ حکایت از آن دارد که مصاحبه‌شوندگان بر این نکته اذعان داشته‌اند که در کنار جذب هر چه بیشتر افراد به

1. Frequency

2. Percentage

این عرفان، هدایت‌کنندگان این جریان، بر مبنای برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین‌شده، اهدافی را پیگیری می‌نمایند که عمده‌ترین آنها به شرح جدول ذیل است:

جدول شماره ۲: اهداف و برنامه‌ریزی‌های هدایت‌کنندگان عرفان حلقه

درصد	فراوانی	نمونه‌ای از موضوعات ذکر شده در مصاحبه‌ها	بعد
۱۳/۳	۴	تضعیف اعتقادات دینی	اهداف و برنامه‌ریزی‌ها
۲۶/۶	۸	جذب هر چه بیشتر افراد به این عرفان	
۶/۶	۲	تزکیه و شستشوی ذهنی فرد	
۶/۶	۲	به چالش کشیدن حکومت دینی	
۲۰	۶	تحریف مذهب شیعه	
۱۳/۳	۴	بدعت‌گذاری در دین	
۶/۶	۲	معرفی شیعه بدلی به جای اثناعشری	
۶/۶	۲	ارائه راه‌حلی سهل‌الوصول برای مشکلات بشر	
۱۰۰	۳۰		مجموع

یافته‌های جدول فوق مبین آن است که هرچند ۲۶/۶ درصد از پاسخگویان اذعان داشته‌اند که رهبران عرفان حلقه در پی جذب هر چه بیشتر افراد به این عرفان بوده‌اند، اما ۲۰ درصد نیز ابراز داشته‌اند که هدف اصلی آن‌ها از ترویج و تبلیغ عرفان حلقه، تحریف دین و مذهب شیعه بوده است. ۱۳/۳ درصد نیز بیان داشته‌اند که تضعیف اعتقادات دینی در صدر اهداف سران این فرقه بوده است. ۶/۶ درصد از پاسخگویان نیز بیان داشته‌اند که معرفی شیعه‌ی بدلی و به چالش کشیدن حکومت دینی، هدف برنامه‌ریزی‌شده‌ی عرفان حلقه در جامعه اسلامی ایران بوده است. پیگیری اهداف تعیین‌شده از سوی رهبران عرفان، سبب گردید که با جذب هر چه بیشتر افراد و ترویج آموزه‌های مخرب خود به آنها، زمینه‌های آسیب‌پذیری افراد و به تبع آن جامعه‌ی پیرامونی آن‌ها را فراهم آورند؛ آسیب‌هایی که ابعادی از آن، سیاسی و اجتماعی است. به‌منظور آگاهی از آسیب‌های سیاسی - اجتماعی عرفان حلقه، با تأمل و تدقیق در متن مصاحبه‌های انجام شده، تحلیل محتوای کیفی صورت پذیرفته است. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کیفی مبین وجود آسیب‌هایی در حوزه‌های مذکور به شرح ذیل است:

۱- آسیب‌های اجتماعی عرفان حلقه

تحلیل متن مصاحبه‌ها حاکی از آن است که از منظر مصاحبه‌شوندگان، عرفان حلقه واجد آسیب‌های اجتماعی بدین شرح است:

جدول شماره ۳: تحلیل محتوای آسیب‌های اجتماعی

تم	مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌ها
آسیب‌های اجتماعی	سست‌انگاری بنیان‌های ملی - هویتی	تغییر فرهنگ
		ایجاد چالش در هویت ملی
		ترویج سیاست تساهل و تسامح افراطی
		به چالش کشیدن حاکمیت
		متهم کردن نظام به محدودیت
		اعتراض و تجمع غیرقانونی

بر مبنای یافته‌های جدول فوق، برخی آسیب‌های اجتماعی عرفان حلقه را می‌توان بدین شرح تحلیل نمود:

الف) تغییر فرهنگ اجتماعی: عرفان حلقه عمدتاً در بین طبقه متوسط به بالا یا به اصطلاح در میان طبقه «مرفه» جامعه گسترش پیدا می‌کند؛ چراکه این طبقه‌ی اجتماعی، حد مناسبی از رفاه اقتصادی و تحصیلات را دارد و از فرصت مناسب و درآمد کافی برای کنجکاو‌ی در پدیده‌های نوپدید، دنبال کردن مدهای فرهنگی و ورود به کنش‌های نمادینی که تصور فرهیختگی را به نمایش می‌گذارد، برخوردارند، گذشته از این، مجال رسیدگی به علائق فرهنگی و معنوی خود را دارند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند و حتی حاضرند برای آن هزینه بپردازند. اساساً نوع برنامه‌های معنوی که این طبقه برای خود می‌پسندد و از آنها استفاده می‌کند، سبک زندگی معنوی آنها را شکل می‌دهد. برنامه‌ها، فعالیت‌ها و نمادهای معنوی که در زندگی این طبقه وارد می‌شود، گونه‌هایی از سبک زندگی معنوی را پدید می‌آورد که شاخصه‌های تکثرگرایی، شک‌گرایی، احساس‌گرایی و خودمحوری معنوی به‌وضوح در آنها مشهود است و آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی، معنوی و اعتقادی مربوط به فرقه‌های نوظهور در بین آنها به فراوانی دیده می‌شود. بر این مبنای، خطری که از تغییرات سبک زندگی طبقه‌ی مرفه متوجه تمام جامعه می‌شود، این است که این طبقه بر سایر طبقات اجتماعی اثر دارد.

ب) ایجاد چالش در هویت ملی: هویت مدرن، تصلب جایگاه فرد در جامعه را با سیالیت و ناپایداری جایگزین می‌کند و به‌جای هویت‌سازها و اتوریت‌های خارج از انسان، من یا سوژه (فاعل شناساگر) را به‌عنوان منبع مستقل معنا می‌نشانند. منابع هویتی مدرن در تلاش‌اند بحران هویتی را که از ویرانی هویت سنتی حاصل شده است، مدیریت کنند و خلأ به وجود آمده را ترمیم کنند. بحران هویت در وضعیت پست‌مدرن، تشدید می‌شود، زیرا پست‌مدرنیته، هویت‌های کلان، یکپارچه و واحد را کنار می‌زند و به مناسبات کثرت‌گرایانه، تردیدآمیز، نسبی و دائماً در حال تغییر و تحول و فاقد قاطعیت دامن می‌زند. در بحبوحه‌ی بحران هویت گروندگان عرفان حلقه در تلاش‌اند، از طریق پیوستن به این طرق جدید دین‌داری، هویت‌یابی کنند، یعنی همان چیزی را از «ادیان نوپدید» می‌طلبند که از ادیان سنتی انتظار می‌رفت؛ اما هویت‌بخشی در جریان‌های فرهنگی نوپدید، نقیصه‌هایی قابل توجه دارد. کاستی‌های هویت برآمده از جریان‌های نوپدید، اجمالاً عبارت‌اند از سیالیت و عدم ثبات، سطحی بودن و بی‌ریشه‌گی. این کاستی‌ها، بی‌شک، در ایران، هویت ملی را که از عناصری نظیر دین اسلام شیعی، تاریخ پرافتخار و عقبه‌ی طولانی تمدنی، فرهنگ و نمادهای مشترک پرمعنا و عمیق و تعاملات نهادینه شده در نهادهای استواری نظیر خانواده برخاسته است، مورد چالش قرار می‌دهند و به تخریب آن می‌پردازند. حال آن‌که، هویت برآمده از جریان‌های نوپدید، موقتی و غیرثابت است.

ج) ترویج سیاست تساهل و تسامح افراطی: از دیگر آفات بسیار قابل درنگ عرفان حلقه از منظر مصاحبه‌شوندگان، ترویج سیاست تساهل و تسامح افراطی است که از نفی واقع‌گرایی ارزشی سرچشمه می‌گیرد و مروج این باور است که بدی یا خوبی رفتارهای اختیاری انسان، بستگی به میل افراد و یا نهایتاً قرارداد و خواست جمعی دارد. به‌طور طبیعی اگر کسی ارزش‌ها را واقعی ندانست به لوازم آن از قبیل پذیرش کثرت‌گرایی، نسبی‌گرایی و استدلال‌ناپذیری، نیز باید ملتزم باشد؛ بر این مبنای رهبران و سران این عرفان، گاه با صراحت این مسئله را گوشزد کرده و ارزش‌ها را نسبی دانسته‌اند؛ برای مثال موضوعاتی از قبیل سقط جنین، طلاق یا گرایش جنسی را تصمیماتی شخصی در نظر گرفته و بر مبنای آن تساهل و تسامح افراطی را تبلیغ و ترویج می‌کنند. این طرز تلقی عرفان حلقه، آموزه‌های مهم اسلامی را مخدوش کرده و به آن آسیب می‌رساند؛ چراکه، ارزش‌های اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همگی ریشه در واقعیت‌های عالم دارند. حرمت ربا و زنا در این نیست که مردم آن را نمی‌پسندند که با تغییر ذائقه‌ی

مردم یا با تغییر قراردادهای اجتماعی، این احکام نیز تغییر کنند، بلکه دلیل تحریم آن‌ها این است که در حقیقت و به درستی علت شقاوت هستند.

د) به چالش کشیده شدن حاکمیت: به‌طور کلی گسترش عرفان حلقه و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و سیاسی که در پی خواهد داشت، حاکمیت را مجبور به برخورد با رهبر فرقه، سران و مروجین می‌کند و بدیهی است برخی دستگیر و بازداشت می‌شوند. در پی اقدامات حاکمیت و دستگاه‌های قضایی و نظارتی، بخشی از خانواده‌ها و جامعه نسبت به حاکمیت دچار بدبینی خواهند شد و به تبع آن چه‌بسا حاکمیت با چالش مواجه شود.

م) اعتراض و برگزاری تجمعات غیرقانونی: اعضای عرفان حلقه در طول سال‌های متعددی، اقدام به برگزاری تجمعات غیرقانونی در داخل و خارج کشور کرده‌اند و در قالب این تجمعات، عمدتاً در پی اقدام به فشار بر ساختارهای حاکمیت، از طریق فعال کردن نهادهای حقوق بشری، بوده‌اند تا در راستای چنین اعمال فشاری، به بازداشت طاهری خاتمه داده، یا حکم اعدام وی را لغو نمایند و یا از فشارهای حاکمیت بر طرفداران حلقه بکاهند.

۲- آسیب‌های سیاسی عرفان حلقه

در کنار آسیب‌های اجتماعی، با تدقیق در پاسخ‌هایی که مصاحبه‌شوندگان بیان داشته‌اند، آسیب‌های سیاسی عرفان حلقه به شرح جدول ذیل است:

جدول شماره ۴: تحلیل محتوای آسیب‌های سیاسی

تم	مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌ها
آسیب‌های سیاسی	تشکیک‌انگاری	تضعیف و تشکیک در مبانی دینی امنیت ملی
		تخیر در تشخیص حق و باطل و دشمن‌شناسی
		راه‌اندازی جنگ نرم در کشور
		ترور و سوءقصد فرقه‌ای
		نفوذ در حاکمیت
		تبلیغات ضد نظام

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای آسیب‌های سیاسی عرفان حلقه - درج شده در جدول فوق - مبین آن است که آموزه‌های این عرفان در کنار آسیب‌های اجتماعی،

زمینه‌ساز و مسبب آسیب‌هایی سیاسی است که در جدول فوق آمده و در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) تشکیک در مبانی دینی امنیت ملی: از منظر مصاحبه‌شوندگان، تشکیک در مبانی دینی امنیت ملی و مؤلفه‌های آن از مهم‌ترین آسیب‌های عرفان حلقه قلمداد می‌شود. پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ی امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است؛ در این میان، یکی از آسیب‌های گسترش عرفان حلقه، مختل‌سازی امنیت فرهنگی است. برای کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که هویت ایرانی - اسلامی به‌منزله‌ی یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌شود، توجه به مؤلفه‌ی هویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به همین دلیل، بخشی از جنگ نرم مخالفان نظام به سمت تخطئه‌ی مبانی فکری، اعتقادی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده است؛ این در شرایطی است که اسلام به‌منزله‌ی دین مشترک جامعه‌ی ایران، یکی از مؤلفه‌های تقویت‌کننده‌ی انسجام و وحدت ملی نیز قلمداد می‌گردد؛ به همین دلیل، بخشی از ترندهای جنگ نرم مخالفان نظام اسلامی بر ایجاد تشکیک در مبانی اعتقادی متمرکز شده که یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن، تبلیغ و ترویج مسلک‌های کاذب، فرقه‌ها و عرفان‌های نوظهور است. حمایت‌های اجرایی و رسانه‌ای امریکا، اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی از ترویج برخی فرقه‌ها در ایران، مبین این واقعیت است که آنان با تمسک به شعار آزادی ادیان، در جهت ترویج برخی فرقه‌ها اقدام می‌کنند که به‌منزله‌ی یکی از مولدهای تضعیف هویت دینی می‌تواند انسجام و وحدت ملی را با چالش‌هایی مواجه کند. به همین دلیل فرقه‌ها و عرفان‌های نوظهور، زیرمجموعه تهدیدات نرم‌افزاری امنیت ملی گنجانده می‌شود و ضرورت دارد از منظر تولید امنیت نرم، به‌دقت مورد رصد و آسیب‌شناسی نهادهای ذی‌ربط قرارگیرد. از سوی دیگر نکته‌ی حائز اهمیت آن است که در ایران اسلامی، دین اسلام و مذهب شیعه اثنی‌عشری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های وحدت ملی است؛ اگر این دین تضعیف شود، از این‌رو، امنیت ملی تضعیف می‌شود. این در حالی است که جریان‌های فرهنگی نوپدیدی چون عرفان حلقه، قرائت‌های مختلف و انحرافی از دین را تبیین می‌کنند که گسست‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی را در پی خواهد داشت.

ب) تحیر در تشخیص حق و باطل و دشمن‌شناسی: تکثرگرایی جریان نوپدید حلقه موجب می‌شود که معیارهای تشخیص حق و باطل و درست و نادرست در افراد از کار بیفتد و توانایی خود را برای کمک به برون‌رفت از ابهامات، تصمیم‌گیری و اقدام به‌موقع از دست بدهند. وقتی که معیارها رنگ ببازد، غوغاسالاری نتیجه‌ی نهایی را تعیین خواهد

کرد و تندبادهای سیاسی به جامعه جهت خواهد داد. و تشخیص منافع واقعی دشوار خواهد بود و چه بسا ممکن است حتی دشمن خود را در کسوت دوست معرفی کند.

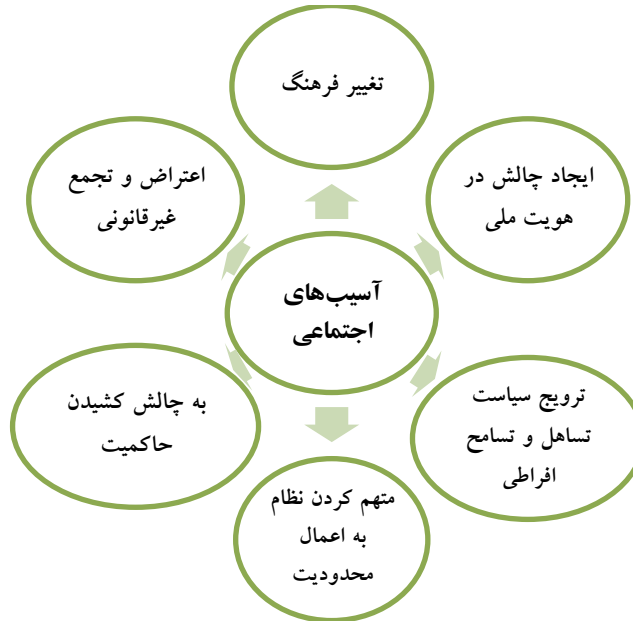
ج) راه اندازی جنگ نرم در کشور: اساساً عرفان حلقه و دیگر جریان‌های فرهنگی نوپدید، ابزارها یا راهکارهایی برای «نبرد نرم» هستند که با تغییر فرهنگ دینی مردم، فرهنگ سیاسی را دگرگون می‌کنند. با تغییر فرهنگ دینی مردم، فرهنگ سیاسی که براساس این باورها شکل گرفته و استوار شده است، مقبولیت خود را از دست می‌دهد و رو به ضعف می‌رود؛ به این ترتیب جنگ نرم صحنه‌ی بازی با نمادها، ارزش‌ها و رفتارهای مذهبی است که رویارویی تفسیرهای متفاوت آموزه‌ها و باورهای دینی و تعارض ارزش‌ها و گرایش‌های معنوی را در پی دارد. در این نبرد جریان‌های فرهنگی نوپدید، کنشگران اصلی هستند که برای دستیابی به اهداف موردنظر، به‌طور مستقیم به عناصر سیاست مثل حکومت یا مرزهای دولت - ملت حمله نمی‌کنند، بلکه فرهنگ سیاسی یا به‌طور کلی شبکه‌ی عناصر فرهنگی را مورد هدف قرار می‌دهند و می‌کوشند تا با دگرگونی فرهنگی در جامعه، منافع خود را برآورده سازند. از این‌رو، کانون تفکر نظام سرمایه‌داری و مرکز مطالعاتی و آینده‌پژوهی امریکا به‌طور گسترده‌ای به موضوع دین و معنویت وارد شده‌اند و پروژه‌های آشکار و نهانی را در این باره انجام می‌دهند؛ به‌طوری‌که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تثبیت نظام اسلامی که از مزیت معنوی برخوردار است، دولت‌های رقیب نظام جمهوری اسلامی ایران، در چند دهه اخیر، جریان‌های نوپدید را در داخل کشور ترویج کرده‌اند تا هم از داخل ساخت درونی جامعه را متزلزل کنند و هم از خارج مانع از رشد آرمان‌ها و الگوهای انقلاب اسلامی شوند.

نتیجه‌گیری و راهکارهای پیشنهادی

آنچه مسلم است آن است که کارکردها و به‌تبع آن آسیب‌های جریان‌های فرهنگی نوپدید در غرب و در ایران متفاوت است؛ در غرب، کارکرد اصلی معنویت‌های نوظهور، درونی کردن ارزش‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری است، معنویتی که به دنبال منفعت است؛ لذا عقلانیتی که در جست‌وجوی حقیقت است به حاشیه می‌رود؛ اما در جامعه اسلامی ایران، کارکردهای جریانی چون عرفان حلقه، کاملاً آسیب‌زا است. چنانچه از منظر سیاسی به عرفان حلقه و کارکردهای آن بنگریم، درخواهیم یافت که

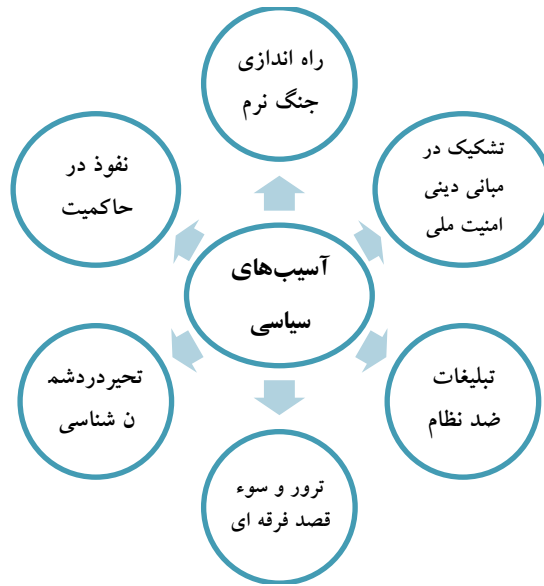
این جریان نوپدید با تغییر فرهنگ دینی مردم، فرهنگ سیاسی و اجتماعی را دگرگون می‌نماید. بر این مبنا، در جوامع دینی، رواج جریان‌های فرهنگی نوپدید و تکرار آسیب‌های آنها، ممکن است مشروعیت نظام سیاسی را زیر سؤال برد و پایه‌های فرهنگی و دینی را مخدوش سازد. در نظام سیاسی دینی و جوامع مذهبی که ارزش‌های معنوی با اهمیت تلقی می‌شوند، جریان‌های نوپدید از جمله عرفان حلقه، آسیب‌های اجتماعی و سیاسی به وجود می‌آورند که این آسیب‌ها در قالب نمودار زیر به تصویر کشیده شده است:

نمودار شماره ۱: آسیب‌های اجتماعی عرفان حلقه



در کنار آسیب‌های اجتماعی مذکور، تبیین جامعه‌شناختی عرفان حلقه حاکی از آن است که آموزه‌های این جریان، واجد آسیب‌هایی سیاسی در ایران نیز هست که از جمله مخرب‌ترین آسیب‌ها برای جامعه‌ی دینی - اسلامی، قلمداد می‌گردد؛ واقعیت آن است که چنانچه آسیب‌های اجتماعی مدیریت نگردد، به سمت آسیب‌های سیاسی هدایت خواهد شد که دامنه و قدرت تخریبی آن بیشتر است این آسیب‌ها، به شرح نمودار ذیل است:

نمودار شماره ۲: آسیب‌های سیاسی عرفان حلقه



در آخر، به منظور مدیریت هر چه بیشتر آسیب‌های این جریان فرهنگی نوپدید در کشور، راهبردهایی پیشگیرانه و نیز تأدیبی پیشنهاد می‌گردد؛ چراکه عرفان حلقه، به منزله‌ی جریان فرهنگی نوپدید و فعال در ایران، دارای مؤلفه‌هایی است که با آنچه از آن به فرهنگ بومی ایرانیان یا فرهنگ اسلامی ایرانی، هویت ملی، ارزش‌ها و منابع ملی و.. یاد می‌شود، در تقابل آشکار است و گسترش تدریجی این باورها در بلندمدت باعث ایجاد تغییرات اساسی در عرصه‌های فرهنگ دینی، اجتماعی، سیاسی و... ما خواهد شد. بر این مبنا، در کنار اقدامات پیشگیرانه، با توجه به عمق نفوذ آموزه‌های این جریان بر ذهن، باورها و اعتقادات افراد، از سویی و عضویت‌گیری روزافزون و گسترش دامنه فعالیت‌های آنها، در کنار راهکارهای پیشگیرانه، راهکارهای تأدیبی نیز می‌باید مدنظر باشد؛ این مهم از منظر این نوشتار مغفول نمانده و راهکارهایی به شرح جدول ذیل، به منظور اجرایی نمودن راهبردهای مذکور ارائه گردیده است:

جدول شماره‌ی ۵: راهبردها و راهکارها

سیاست‌های و استراتژی‌های موردنیاز	راهبردها
- بصیرت‌افزایی در بدنه‌ی فرقه - نقد عرفان‌ها و جریان‌های نوپدید فرهنگی در کشور - روان‌سازی و ایجاد فهم ملی از ایدئولوژی نظام حاکم - کم‌کردن فاصله (تئوریک و عملکردی) ارزش‌های اسلامی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران - جلوگیری از سوءاستفاده‌ی جریان‌ات سیاسی از فرقه‌ها - تقویت ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم نظام - شناسایی روش‌ها و زمینه‌های جذب عرفان حلقه	فرهنگ‌سازی
تصویب و اجرایی نمودن قوانین ضد فرقه	اقدامات بازدارنده
جلوگیری از گسترش موسیقی‌های زیرزمینی و فرقه‌ای خاص جریان‌های فرهنگی نوپدید	
جلوگیری از انتشار تولیدات تبلیغی فرقه‌ها	
مقابله با اقدامات خلاف قوانین فرقه‌ها	نظارت

یادداشت

- ۱- هیچ ارگانی تاکنون آمار دقیق و تعداد جریان‌های فرهنگی نوظهور در ایران را به‌صورت رسمی اعلام نکرده است.
- ۲- مفهوم و مؤلفه‌های معنویت‌گرایی در جریان‌های فرهنگی نوپدید، با مفهوم و مؤلفه‌های معنویت‌گرایی که در ذهن ما و به‌تبع آموزه‌های اسلامی نقش بسته است، تفاوت ماهوی دارد.

منابع

- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)؛ «تحلیل محتوای کیفی»، *فصلنامه پژوهش*، س ۳، ش ۲، صص ۴۴-۱۵.
- تویچل، پال (۱۳۸۰)؛ *دفترچه معنوی*، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران: نگارستان کتاب.
- رصد (آبان ۱۳۹۷)؛ گزارش رصد عرفان‌های نوظهور (ویژه‌نامه عرفان حلقه)، *ویژه‌نامه رصد*، س ۶، ش ۱، صص ۱۷-۱۸.
- روزنامه کیهان* (۱۳۹۶/۷/۲۱)؛ آشنایی با تاریخچه و اهداف عرفان حلقه، کد خبر ۱۱۶۷۹۲.
- شکوهری، رسول (۱۳۹۷)؛ *مسائل و مباحث فرقه‌های نوظهور*، تهران: انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- شکوهری، رسول؛ تمدنی، مجتبی (۱۳۹۸)؛ *تکنیک‌های عملیات روانی در فرقه‌ها*، تهران: انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- طالبی، ابوتراب؛ رضائی، صدیقه (۱۳۹۶)؛ «عوامل و زمینه‌های گرایش به معنویت‌گرایی جدید در میان شهروندان تهرانی»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، س ۶، ش ۲۴، صص ۱۹۲-۱۵۹.
- علمداری، مهرداد (۱۳۸۸)؛ «فریمینگ یا قاب‌بندی چیست؟» *کتاب ماه علوم اجتماعی*، س ۱۲، ش ۱۳، صص ۹-۱۴.
- کرسی‌سایز، جرج (۱۳۸۲)؛ *تعریف معنویت‌گرایی جدید*، ترجمه باقر طالبی، بی‌نا.
- کوشن، بروس (۱۳۷۹)؛ *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات توتیا.
- محدثی‌گیلوی، حسن (۱۳۹۵)؛ *جریان‌های دینی و معنوی بدیع: بررسی و نقد رویکردهای تبیینی، جهت‌گیری‌های هنجاری و راهبردهای عملی*، در غلامرضا غفاری؛ محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مظاهری‌سیف، حمیدرضا (۱۳۸۷)؛ *معنویت مدرن، پایگاه حوزه*، س ۶، ش ۲۴۲، صص ۲۴-۱.
- مقدس، احسان (۱۳۸۴)؛ *کثر راهه شیطان نقدی بر انواع و گروه‌های شیطان‌پرستی*، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)؛ «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، س ۱، ش ۱، صص ۴۹-۲۷.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۲)؛ *نظریه‌های رسانه (اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی)*، تهران: نشر همشهری.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۶ آبان ۱۳۸۵)؛ گونه‌شناسی کلان جریان‌های فرهنگی معاصر در نسبت بین دین و مدرنیته، *روزنامه کیهان*، ش ۱۸۶۶۶۷، ص ۱۲.
- Holeston, T.G. & Garry, T. (2011); "An overview of content analysis", *The Marketing Review*, No 3, 479-498.
- Hsieh, Hsiu- Fang, Shanon, Sara E (2005); "Three Approaches to Content Analysis", *Qualitativ Health Research*, Vol. 15, No. 9, 31-37.
- Sandelowski, M. (2011); "Sample size in qualitative research", *Res Nurs Health*; 18(2): 179- 83.